

شناخت‌شناسی جریان لوپن در فرانسه

سیدنادر نوربخش¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال نوزدهم، شماره 3، پیاپی 75، پاییز 1397؛ صفحات 161-195

تاریخ دریافت: 1397/08/20 تاریخ پذیرش نهایی: 1397/09/25

چکیده

طی سال‌های بعد از دهه 2000 جریان سیاسی موسوم به راست افراطی در بیشتر کشورهای اروپایی روند رو به رشدی داشته است. این جریان سیاسی در دو سطح کلی احزاب یا گروه‌ها و سازمان‌های زیرزمینی نمود پیدا می‌کند و ویژگی‌هایش در هر کشور تا حدودی متفاوت و متنوع است. با این حال برخی خصوصیات از جمله مهاجرت‌ستیزی، پوپولیسم، مخالفت با اتحادیه اروپا، بیگانه‌هراسی و ملی‌گرایی در بیشتر این جریان سیاسی به چشم می‌خورد. یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین احزاب راست افراطی اروپا در فرانسه وجود دارد. حزب جبهه ملی که در سال 2018 نام خود را به «اجتماع ملی» تغییر داد، طی چهار دهه گذشته رشد کرده و از یک حزب حاشیه‌ای کوچک به یک جریان سیاسی بزرگ و تأثیرگذار تبدیل شده و در انتخابات مختلف از مقیاس محلی مانند شهرداری‌ها و نواحی گرفته تا مجلس، ریاست‌جمهوری و حتی پارلمان اروپایی نتایج چشم‌گیری در فرانسه به دست آورده است؛ به طوری که در حال حاضر این جریان سیاسی چالش اصلی نظام حاکم است و اپوزیسیون نسبتاً قدرتمندی در این کشور محسوب می‌شود. این مقاله به بررسی علل و آثار رشد جریان راست افراطی در فرانسه و سیاست‌های حزب جبهه ملی (اجتماع ملی) به رهبری لوپن می‌پردازد و پایگاه اجتماعی هواداران آن را از منظر طبقه اجتماعی، تحصیلات، سن و جنسیت تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی

راست افراطی، پوپولیسم، لوپن، انتخابات فرانسه، مهاجرت‌ستیزی

1. کاندیدای دریافت دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران nourbakhsh85@ut.ac.ir

دهه 1930 و فاصله زمانی بین دو جنگ جهانی را می‌توان اوج رشد جریان راست افراطی و ملی‌گرایی افراطی دانست. در پایان جنگ جهانی دوم با شکست فاشیسم و نازیسم، احزاب راست افراطی برای چند دهه به طور کامل از صحنه سیاسی اروپا حذف شدند. با این حال به موازات نزدیک شدن به دهه 1980 و تحولات در عرصه جهانی مانند رشد مهاجرت و سقوط کمونیسم و هم‌زمان با رشد جهانی شدن مجدداً نوع جدیدی از احزاب راست افراطی به شکل تدریجی رشد پیدا کردند که بر خلاف اسلاف فاشیست خود، نژادپرستی علنی را کنار گذاشته و دغدغه‌های فرهنگی و هویتی را با رویکردی پوپولیستی جایگزین آن کرده‌اند. نمونه بارز این دسته احزاب، حزب جبهه ملی فرانسه است. می‌توان گفت جریان راست افراطی در سطح حزبی و قانونی آن در فرانسه موفق بوده و به‌رغم اینکه به دلیل ساختار نظام انتخاباتی و حزبی این کشور، به خصوص نظام ریاستی فرانسه، نتوانسته تا کنون به دولت و جایگاه اجرایی راه پیدا کند، اما با حضور پیوسته در عرصه سیاسی این کشور در دهه‌های اخیر توانسته است آرای زیادی کسب کند و ساختار سیاسی این کشور را با تحول روبه‌رو سازد.

حزب جبهه ملی فرانسه واژه راست افراطی را یک برچسب از سوی مخالفان می‌داند و خود را میهن‌پرست و ملی‌گرا توصیف می‌کند (Nowak & Branford, 2017; Poirier, 2011) و با مطرح کردن مسائلی مانند هویت ملی و اتخاذ رویکردهای پوپولیستی درباره مخالفت با مهاجرت در عرصه سیاسی این کشور تأثیرگذار بوده است. در چنین شرایطی احزاب جریان اصلی مانند راست میانه مجبور شده‌اند برای جلب نظر و آرای بالقوه هواداران راست افراطی برخی موضوعات مانند مخالفت با مهاجرت را در مبارزات انتخاباتی خود مطرح سازند تا از رشد بیشتر راست افراطی جلوگیری کنند. شایان ذکر است در فرانسه احزاب جریان اصلی مردم را از رأی دادن به احزاب دیگر منع می‌کنند و این کار آنها را





بیهوده می‌دانند و از رأی‌دهندگان می‌خواهند به احزابی رأی دهند که واقعاً توانایی رسیدن به قدرت را داشته باشند. با این حال این خواسته آنها مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع از سال 1984 جبهه ملی به طور متوسط در هر انتخابات بین 10 تا 15 درصد را به خود اختصاص داده است. این مسئله برای احزاب چپ که بسیاری از رأی‌دهندگان طبقه کارگر را از این طریق از دست دادند و هم برای محافظه‌کاران که تعدادی از کرسی‌های پارلمان را به نفع این حزب از دست دادند، بسیار ناگوار بود (Langenbacher & Schellenberg, 2011: 84). برای مثال جبهه ملی فرانسه در انتخابات سال 2012 حدود 18 درصد آرا را به خود اختصاص داد. این نتایج در دور بعدی انتخابات در سال 2017 رشد زیادی داشت و لوپن توانست با راهیابی به دور دوم حدود 34 درصد آرا را به خود اختصاص دهد (Clarke and Holder, 2017).

در این پژوهش سعی شده است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- تاریخچه شکل‌گیری جریان سیاسی لوپن در فرانسه چه روندی را طی کرده است؟
- راست افراطی فرانسه چه خصوصیتی دارد و سیاست خارجی آن چیست؟
- علل اصلی رشد راست افراطی فرانسه چه بوده است؟
- پایگاه اجتماعی هواداران جبهه ملی فرانسه چگونه است؟

پیشینه پژوهش

به طور کلی پژوهش‌هایی که درباره راست افراطی انجام شده‌اند به جبهه ملی فرانسه به عنوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این جریان پرداخته‌اند. کاس مود¹ در کتابی با عنوان *The Ideology of the Extreme Right* روی ایدئولوژی احزاب راست افراطی مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده است که احزابی مانند جبهه ملی فرانسه، حزب آزادی اتریش و ولامز بلانگ² بلژیک به‌رغم وجود برخی تفاوت‌ها، همگی تابع ویژگی‌هایی مشترک هستند و می‌توان آنها را در یک

1. Cas Mudde
2. Vlaams Belang

خانواده حزبی قرار داد.

پل هینورس¹ با بررسی چهار نمونه موفق احزاب راست افراطی در اروپا یعنی فرانسه، بلژیک، اتریش و ایتالیا به چگونگی گسترش این احزاب و دلیل موفقیت آنها می‌پردازد. وی معتقد است پیروزی و موفقیت این احزاب بنا به شرایط و زمان و موقعیت متفاوت آنها در کشور خود با هم فرق دارد. برای مثال در دو کشور اتریش و ایتالیا این احزاب حتی به دولت هم راه یافتند؛ در حالی که در فرانسه به‌رغم درصد بالای رأی‌دهندگان به جبهه ملی، این حزب به دلیل ساختار نظام سیاسی و انتخاباتی فرانسه نتوانست به جایگاه اجرایی دست پیدا کند.

در مورد رشد راست افراطی در فرانسه برخی همچون نونا مایر² روندها و تحولات در نظام انتخاباتی را مؤثر می‌دانند (Mayer, 2015)؛ برخی همچون هولت³ بحران اقتصادی را عامل مهمی ارزیابی می‌کنند (Hewlett, 2012) و برخی دیگر مانند دلاپستا مسائل اجتماعی مانند مهاجرت را عامل اصلی می‌دانند (Della Posta, 2013). برای مثال پژوهشگر اخیر در مقاله خود با مطالعه روی کشورهای مختلف اروپایی به این نتیجه رسیده است که بین میزان جمعیت مهاجران و اتخاذ سیاست‌های ضد مهاجرتی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد.

گودلیف⁴ در پژوهش خود موفقیت جبهه ملی فرانسه در انتخابات پارلمان اروپا در سال 2014 به عنوان مقام اول در فرانسه را بسیار با اهمیت می‌داند. در این انتخابات راست افراطی توانست حدود 25 درصد آرا را به خود اختصاص دهد و از همه احزاب فرانسه پیشی گیرد. علت اصلی این امر نارضایتی مردم فرانسه از ادامه گسترش اتحادیه اروپا بود. به عقیده وی، حزب جبهه ملی تنها گزینه موجود در صحنه سیاسی فرانسه برای شهروندانی است که نسبت به اتحادیه اروپا و ساختار آن منتقد هستند (Goodliffe, 2015).

1. Paul Hainsworth

2. Nonna Mayer

3. Hewlett

4. Goodliffe



تاریخچه حزب اجتماع ملی (جبهه ملی) فرانسه

حزب جبهه ملی در 5 اکتبر 1972 از ائتلاف چند گروه ملی‌گرای افراطی تأسیس شد. پایه حزب توسط هواداران استعمار الجزایر به دست فرانسه و بر پایه نوستالژی نسبت به رژیم ویشی (رژیم سیاسی همکار نازی‌ها در فرانسه طی جنگ جهانی دوم) بنا شده بود (Ivaldi & Gombin, 2015).

آنها ژان ماری لوپن را به رهبری خود انتخاب کردند که اعتقاداتش از نظر بسیاری از فاشیست‌های تندرو تا حدودی محافظه‌کارانه می‌نمود؛ با این حال اعتدال نسبی او نتوانست جبهه ملی را به صورت حزبی توده‌ای در آورد تا اینکه در سال 1983 حزب در انتخابات شهرداری‌ها 17 درصد از آرا در شهر درو¹ را از آن خود کرد. جبهه ملی تنها حزب راست افراطی است که توانسته در انتخابات‌های مختلف در بازه زمانی طولانی موفقیت‌هایی به دست آورد. البته این حزب در سال‌های آغازین به دلیل اختلافات با متحدانش توفیقی کسب نکرد و حتی در سال 1981 از جمع‌آوری پانصد امضا هم باز ماند و در انتخابات پارلمانی تنها 0/2 آرا را به دست آورد (Betz, 1994: 15). با این حال در سال 1983 توانست با برخی جریان‌های راست میانه ائتلاف و به موفقیت‌هایی دست پیدا کند (Smith, 2003: 16). در پی این پیروزی در شورای شهر درو صاحب کرسی شد و خود را نزد افکار عمومی و احزاب اصلی مطرح کرد. در سال 1984 این حزب 11 درصد آرا را در انتخابات پارلمان از آن خود کرد و توانست 10 کرسی از 81 کرسی را به دست آورد (Fysh & Wolfreys, 1992: 312). حزب جبهه ملی توانست برای نخستین بار بر پایه یهودستیزی و بیگانه‌هراسی توجه بخشی از رأی‌دهندگان را به خود جلب کند. این حزب راست افراطی از 1983 به طور ثابت در عرصه سیاسی فرانسه وجود داشته است. با اینکه پس از نخستین پیروزی بزرگ جبهه ملی در سال 1984، احزاب جریان اصلی تصمیم گرفتند از

1. Dreux



هرگونه توافق و همکاری با ژان ماری لوپن خودداری کنند، اما از آن زمان تا کنون این حزب موفق شده است آرای تعداد زیادی از رأی‌دهندگان فرانسوی را به خود جلب کند و روی مسائلی مانند مهاجرت، سیاست‌های چندفرهنگی و تعریف هویت تأثیرگذار بوده است (Langenbacher & Schellenberg, 2011: 83). چهار سال بعد در انتخابات ریاست‌جمهوری، جبهه ملی موفق شد 14 درصد آرا را به خود اختصاص دهد و در دهه 1990 نیز به کرسی‌های بیشتری در پارلمان دست یافت (Smith, 2003: 16).

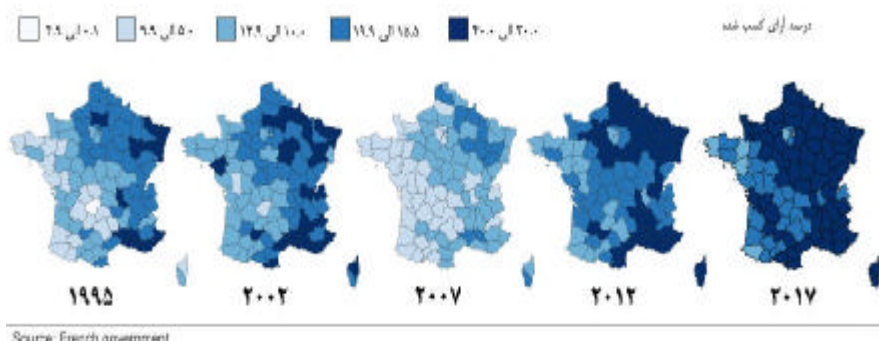
این حزب در میانه 1990 در انتخابات‌های سراسری بیش از 15 درصد آرا را از آن خود کرد و تعداد کمی از شهرداری‌های مهم را هم به دست گرفت. پس از انشعابی که در اوایل سال 1999 در حزب میان لوپن و جانشین مسلمش برنو مگره¹ رخ داد، بسیاری از ناظران پایان جبهه ملی را پیش‌بینی کردند؛ اما لوپن موفق شد نام جبهه ملی را حفظ کند و در انتخابات شهرداری‌ها در سال 2001 نشان داد که از مگره خیلی جلوتر است (پاسمور، 1391: 144).

یکی از مهم‌ترین پیروزی‌های جبهه ملی در سال 2002 در انتخابات ریاست‌جمهوری رخ داد که طی آن ژان ماری لوپن، رهبر این حزب، با شکست دادن کاندیدای سوسیالیست‌ها توانست همراه ژاک شیراک به دور دوم راه پیدا کند. تعداد آرای ژان ماری لوپن در این انتخابات 4,8 میلیون رأی و معادل 16,86 درصد کل آرا بود که در دور دوم به 5,52 میلیون رأی و معادل 17,79 درصد ارتقا پیدا کرد و با وجود شکست از ژاک شیراک توجه جهان را به خود جلب کرد. یکی از دلایل راهیابی لوپن به دور دوم تعداد نامزدها به خصوص در طیف چپ بود، به طوری که تعداد آرای آنها میان هشت نامزد تقسیم شده بود؛ با این حال نامزدهای طیف چپ در دور دوم انتخابات در اقدامی بی‌سابقه به حمایت قاطع از شیراک پرداختند تا مانع کسب آرای بیشتر توسط ژان ماری لوپن شوند و



احتمال راهیابی وی به ریاست جمهوری را به شدت کاهش دهند. ژان ماری لوپن در این انتخابات با اتکا به مسائلی مانند مهاجرت و افزایش آمار جرم و جنایت در جامعه فرانسه و مخالفت با احزاب جریان اصلی توانست به موفقیت چشم‌گیری دست پیدا کند و این مسئله زنگ خطر را برای احزاب جریان اصلی به صدا در آورد (Smith, 2003: 16). ژان ماری لوپن که سابقه جنگ در الجزایر و منطقه هندوچین¹ را دارد، توانست برای نخستین بار در همین سال در سطح جهان به چهره‌ای شناخته تبدیل شود.

میزان رشد حزب جبهه ملی فرانسه



در انتخابات سال 2007 ریاست جمهوری، نیکلا سارکوزی، کاندیدای محافظه‌کار، با اتکا به شعارهای راست افراطی و مطرح کردن مباحثی مانند مهاجرت، ارزش‌های اخلاقی و مبارزه با چندفرهنگ‌گرایی توانست نظر تعدادی از حامیان این جریان را به خود جلب کند و در نتیجه لوپن 79 ساله در این انتخابات تنها 10 درصد آرا را به خود اختصاص داد (Langenbacher & Schellenberg, 2011).

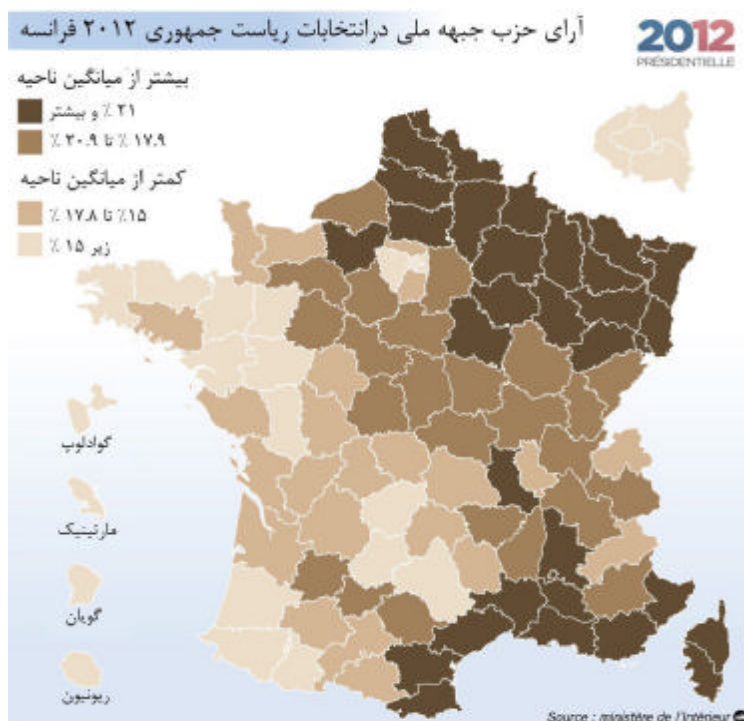
گلدهامر² در پژوهش خود به این نکته مهم اشاره می‌کند که در انتخابات سال 2007 ژان ماری لوپن در نتایج نسبت به انتخابات پیشین افت زیادی کرد و

1. Indochina
2. Goldhammer

حزب در شرایط مناسبی قرار نداشت. با این حال وی دو عامل مهم در چند سال بعد را به نفع رشد دوباره حزب ارزیابی می‌کند که عبارت‌اند از: بحران اقتصادی سال 2008 و تغییر رهبری حزب از ژان ماری لوپن به دخترش در سال 2011 (Goldhammer, 2015). البته نباید فراموش کرد بخشی از افول موقعیت حزب در سال 2007 به علت سیاست‌های کمپین انتخاباتی سارکوزی بود که با اتخاذ شعارهایی مشابه راست افراطی و انتقاد از مهاجرت توانست نظر بخشی از هواداران آنها را به طور موقت به راست میانه جلب کند.

مارین لوپن، دختر ژان ماری لوپن، از سال 2011 جانشین پدرش در حزب شد و توانست محبوبیت آن را افزایش دهد. در انتخابات سال 2012 مارین لوپن، رهبر جدید حزب، در انتخابات ریاست‌جمهوری در مقابل نیکلا سارکوزی و فرانسوا اولاند به رقابت پرداخت و توانست در دور اول 18 درصد آرا معادل شش میلیون رأی را از آن خود کند که از نظر تعداد، رقم بی‌سابقه‌ای بود و برای حزبی مانند جبهه ملی به عنوان یک حزب ضد ساختار نتیجه نسبتاً خوبی محسوب می‌شد. مارین لوپن متولد 5 آگوست 1968، فارغ‌التحصیل دانشگاه پاریس در رشته حقوق است. وی در سال 2004 به عنوان نماینده به پارلمان اروپا راه پیدا کرد و به جناح غیر متعهدها در پارلمان پیوست. وی همچنین برخی از مسئولیت‌های اجرایی در حزب را در این سال‌ها در اختیار داشت (Atabong, 2018: 25).

تصویر زیر جغرافیای انتخابات سال 2012 را نشان می‌دهد. بر این اساس میزان آرای مارین لوپن در نواحی شمال شرق و جنوب فرانسه به مراتب بیشتر از رقبای سیاسی دیگر است.



موفقیت‌های جبهه ملی تنها به انتخابات سراسری محدود نمی‌شود. در ساختار نیمه متمرکز فرانسه که اختیارات جداگانه‌ای به شهرداری‌ها (کمون‌ها) و نواحی و دپارتمان‌ها داده شده است، احزاب می‌توانند در سطح محلی نیز با یکدیگر به رقابت بپردازند تا مسئولیت اجرایی در موضوعاتی نظیر مسائل آموزشی، حمل و نقل، خدمات شهری و امثالهم را هم در اختیار گیرند.

در انتخابات محلی در مارس 2014 در شهرداری‌های فرانسه حزب جبهه ملی موفقیت کم‌سابقه‌ای کسب کرد؛ با این حال بزرگ‌ترین موفقیت این حزب در انتخابات پارلمان اروپایی در می 2014 بود که توانست به عنوان مقام نخست در فرانسه بیشترین کرسی‌های این کشور در پارلمان را از آن خود کند (Ray, 2018). در انتخابات شهرداری‌های سال 2014 فرانسه، حزب جبهه ملی توانست با



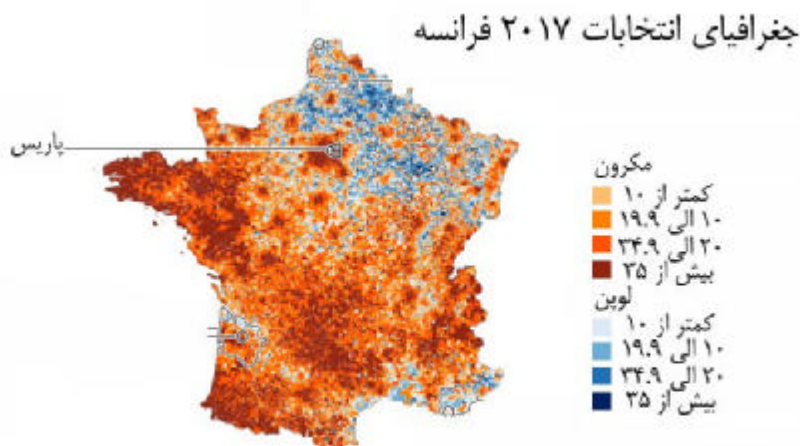
دستیابی به نتایج بی‌سابقه، 1200 کرسی شوراهای شهر را به دست آورد. بدین ترتیب کنترل 15 حوزه انتخاباتی به دست راست افراطی افتاد که بین آنها 11 شهر دارای بیش از 9000 جمعیت نیز وجود داشت. در حالی که نخست‌وزیر این کشور از مردم خواسته بود هر کاری که می‌توانند انجام دهند تا حزب راست افراطی «جبهه ملی» نتواند حتی یکی از شهرداری‌های این کشور را در اختیار بگیرد. پیروزی جبهه ملی در شرایطی به دست آمد که بیش از 38 درصد فرانسوی‌ها از حضور در پای صندوق‌های رأی خودداری کرده بودند که رقمی بی‌سابقه محسوب می‌شود. جبهه ملی در زمان برگزاری انتخابات این سال هیچ‌یک از شهرداری‌های فرانسه را در اختیار نداشت. این حزب همچنین توانست ناحیه هفتم «مارسی» دومین شهر بزرگ فرانسه را از آن خود کند. این ناحیه دارای جمعیتی بالغ بر 150,000 نفر است. مارین لوبن، رهبر حزب جبهه ملی، در این باره گفت: «ما هم اکنون وارد مرحله جدیدی شده‌ایم. انحصار چپ و راست در صحنه سیاسی فرانسه شکسته شده و نیروی سوم به میدان آمده است.» فرانسوی‌هایی که به جبهه ملی رأی دادند، مخالفت خود را با مهاجرت، تجارت آزاد، کاهش درآمدها و سیاست‌های اتحادیه اروپا به نمایش گذاشتند. در این انتخابات در کل، بیشتر موفقیت این حزب در مناطقی بوده است که جمعیت مهاجر نسبتاً بالایی داشته‌اند (نوربخش الف، 1393).

شایان ذکر است یکی از عرصه‌هایی که حزب جبهه ملی توانسته از آن به عنوان فرصتی برای قدرت‌نمایی استفاده کند انتخابات پارلمان اروپایی است که هر 5 سال یک بار برگزار می‌شود. در انتخابات پارلمان اروپایی در سال 2014 در فرانسه حزب جبهه ملی با کسب 26 درصد آرا و با فاصله زیادی از سایر رقبا پیروز انتخابات پارلمان اروپایی در این کشور اعلام شد و از مجموع 74 کرسی فرانسه در پارلمان اروپا، 25 کرسی را از آن خود کرد؛ در حالی که این حزب راست افراطی پیش از این تنها 3 کرسی در پارلمان اروپایی در اختیار داشت.





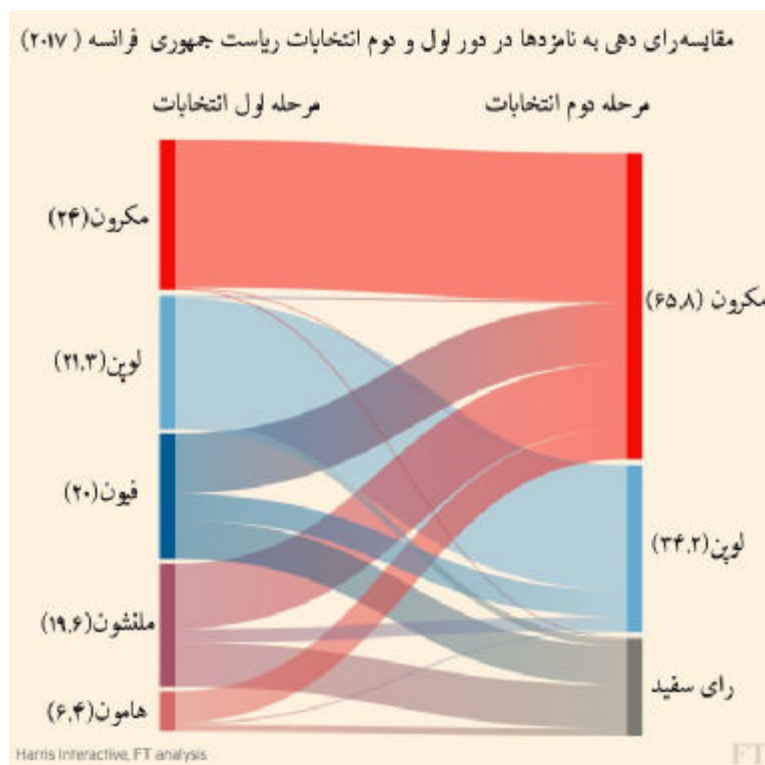
برای نخستین بار در طول عمر جبهه ملی فرانسه، این حزب موفق شد در یک انتخابات سراسری مقام نخست را به خود اختصاص دهد. در همان حال حزب محافظه کار «اتحاد برای جنبش مردمی» حدود 20 درصد آرا را کسب کرد و حزب سوسیالیست حاکم در فرانسه تنها 14 درصد آرا را به دست آورد که پایین ترین میزان در طول حیات این حزب تلقی می شد. در پی این موفقیت مارین لوپن، رهبر جبهه ملی فرانسه، درخواست انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زودهنگام را کرد (نوربخش ب، 1393).



Source: French Interior Ministry

در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال 2017 فرانسه حزب جبهه ملی به رهبری مارین لوپن توانست با شکست دادن همه احزاب سنتی جریان اصلی و همراه مکرون به دور بعدی راه پیدا کند. در این میان نکته شگفتی آفرین نه راهیابی جبهه ملی به دور بعدی (که یک بار در سال 2002 رخ داده بود)، بلکه عدم راهیابی هیچ یک از احزاب سنتی فرانسه به دور دوم بود که در طول عمر بیش از نیم قرن جمهوری پنجم امری بی سابقه محسوب می شد. میزان آرای لوپن در دور دوم انتخابات به رغم شکست از مکرون نسبت به سال 2002 تقریباً دو

برابر افزایش پیدا کرد و به 34 درصد رسید (AISCH et all, 2017). از آن هنگام تا به حال حزب لوپن به طور غیر رسمی به جایگاه مهم اپوزیسیون دولت در فرانسه تبدیل شده است.



لوپن طی سال‌های 2011 و 2015 به عنوان مهم‌ترین فرد تأثیرگذار از سوی مجله تایم انتخاب شد و وبسایت پولیتیکو نیز وی را پرنفوذترین شخصیت در پارلمان اروپا پس از مارتین شولتز نامیده است (Ray, 2018).

سیاست‌های جریان راست افراطی فرانسه

کاس مود از جبهه ملی فرانسه به عنوان حزبی که توانسته به شکل موفقیت‌آمیزی از سه عنصر حیاتی ایدئولوژی راست افراطی بهره گیرد نام می‌برد. این عناصر



عبارت‌اند از: بومی‌گرایی، اقتدارگرایی و پوپولیسم (Mudde, 2007: 41).

مهاجرت‌سبزی و مخالفت با ورود پناهجویان خارجی مهم‌ترین ویژگی این حزب تلقی می‌شود. این حزب از هواداران قوانین سخت‌گیرانه برای نظم و امنیت جامعه و بازگشت مجازات اعدام است. در مورد برنامه‌های احزاب راست افراطی باید گفت مسئله هویت ملی و اخلاق مدنی سرلوحه اهداف آنهاست. برای مثال در سال 1997 جبهه ملی فرانسه 66 درصد برنامه‌های انتخاباتی خود را روی هویت ملی و اخلاقیات و مهاجرت متمرکز کرد و تنها 12 درصد برنامه‌های این حزب به مسائل اقتصادی مربوط می‌شد. جبهه ملی با مسئله تجدیدنظرطلبی در مورد مسئله هولوکاست و انکارکنندگان آن همسو است. سیاست اجتماعی جبهه ملی در عبارت اولویت ملی خلاصه می‌شود که به معنای اولویت قائل شدن برای فرانسوی‌ها و در زمینه مسکن، مزایای رفاهی و آموزش است. این حزب خواستار بازگرداندن مهاجران به کشورهايشان است (پاسمور، 1391: 145). در مورد سیاست‌های اقتصادی، جبهه ملی در طول دهه 1980 طرفدار لیبرالیسم بازار آزاد افراطی بود، اما در دهه 1990 سیاست‌های صنف‌گرایانه را پیش گرفت. تصور جبهه ملی این است که همین که به قدرت برسد می‌تواند ارکان اصلی برنامه‌اش را از طریق همه‌پرسی محقق کند.

جبهه ملی اساس رأی خود را از میان طبقه کارگر و بیکاران به خصوص در مناطق صنعتی به دست می‌آورد. اصول جبهه ملی بر پایه پوپولیسم، بیگانه‌هراسی و شعارهایی مانند «اولویت با فرانسوی‌ها» بنا شده است. از ویژگی‌های دیگر آن می‌توان به مخالفت با اتحادیه اروپا و پول واحد آن (یورو) اشاره کرد. به طور کلی تبلیغات جبهه ملی به مسئله مخالفت با مهاجرت، سخت‌کوشی، امتیازات اجتماعی برای فرانسوی‌های اصیل، ضدیت با نخبگان، ضدیت با فساد و اعلام خود به عنوان تنها آلترناتیو موجود باز می‌گردد (Langenbacher & Schellenberg, 2011: 86-98).

به نظر می‌رسد یکی از دلایل موفقیت جبهه ملی را باید در شخصیت کاریزماتیک

لوپن و توانایی وی در اتحاد میان دسته‌بندی‌های مختلف راست افراطی فرانسه جست‌وجو کرد (Langenbacher & Schellenberg, 2011: 83). ژان ماری لوپن، رهبر سابق و بنیان‌گذار این حزب، هولوکاست را یکی از جزئیات بی‌اهمیت تاریخ بیان و بدین ترتیب انتقادهایی را متوجه خود کرده است (Smith, 2003: 17). مارین لوپن بعد از به قدرت رسیدن سعی کرد برخی سیاست‌های حزب را معتدل‌تر کند؛ از جمله وی از برخی سیاست‌های ضد یهودی پدرش فاصله گرفت. یکی از بسترهای مهم دستاویز لوپن استفاده وی از نمادهای ملی و ایجاد حس نوستالژی نسبت به تاریخ فرانسه است.

لوپن معتقد است چندفرهنگ‌گرایی در فرانسه ناکارآمد و امری شکست‌خورده است. وی همچنین خواهان خروج مهاجران غیرقانونی از خاک فرانسه است. حوادث تروریستی سال‌های اخیر نیز باعث رشد رویکرد اسلام‌هراسانه راست افراطی در فرانسه شده است (Atabong, 2018). موضوع مهاجرت به عنوان اصلی‌ترین مسئله‌ای است که جبهه ملی فرانسه با کمک آن توانسته توجه بسیاری را به خود جلب کند.

در عرصه سیاست خارجی مهم‌ترین سیاست‌های حزب جبهه ملی فرانسه را می‌توان مخالفت با عضویت فرانسه در اتحادیه اروپا، ناتو و حوزه شنگن بیان کرد. لوپن به طور قاطع از نتایج همه‌پرسی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) در سال 2016 حمایت کرد. وی همچنین از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده ابراز خرسندی کرد. حزب تجمع ملی خواهان خروج فرانسه از ناتو و خارج شدن این کشور از حوزه نفوذ آمریکاست (Sputnik, 2011).

سیاست خارجی راست افراطی فرانسه نزدیکی با روسیه است. لوپن همواره از همکاری‌های گسترده با مسکو حمایت و از عملکرد کشورهای غربی بر سر قضیه اوکراین و تحریم روسیه به شدت انتقاد کرده است. در سال 2014 که



بانک‌های فرانسه از دادن وام به لوپن خودداری کردند، وی موفق شد 9 میلیون یورو از بانک روسی وام بگیرد. لوپن در هر دو جنگ خلیج فارس در سال 1991 و 2003 حمله آمریکا را مورد انتقاد قرار داد (Shields, 2007: 315).

حزب جبهه ملی جهانی شدن، مهاجرت و اسلامی‌سازی اروپا را تهدید اصلی علیه فرانسه ارزیابی می‌کند. لوپن پس از آغاز بحران پناهجویان در اروپا خواستار آن شد تا نظام شنگن لغو و مرزها در اتحادیه اروپا مجدداً برقرار شود. حزب تجمع ملی جهانی شدن را عامل مشکلات کنونی جامعه می‌داند و خواهان جایگزین شدن اتحادیه اروپا با یک اتحادیه ملی گراست. این حزب همچنین خواهان خروج فرانسه از حوزه پول واحد اروپایی (یورو) و خواستار برگزاری یک همه‌پرسی مشابه آنچه در بریتانیا انجام شد برای خروج فرانسه از اتحادیه اروپاست.

در مورد جبهه ملی فرانسه و جمهوری اسلامی ایران نظرات متفاوتی وجود دارد؛ با این حال Eldar Mamedov معتقد است مارین لوپن شخصی با نظرات میانه رو در قبال جمهوری اسلامی است که خواهان گسترش روابط اروپا با ایران بوده و قویاً از توافق اتمی حمایت می‌کند. همچنین لوپن در پارلمان اروپا اتحادیه اروپا را به دخالت در امور داخلی ایران متهم و به طور رسمی از سیاستمداران اروپا درخواست کرده است علیه تحریم‌های آمریکا موضع بگیرند و از روابط تجاری با ایران حمایت کنند. شایان ذکر است هیچ‌یک از این موارد در پارلمان اروپا به تصویب نرسید زیرا جناح راست میانه و چپ میانه از هرگونه حمایت از طرح‌های مارین لوپن خودداری می‌کنند (Mamedov, 2017).

حسن داعی، از مخالفان وابسته به گروهک‌های ضد انقلاب، در مقاله‌ای¹ به شدت به مارین لوپن حمله کرده و وی را متحد جمهوری اسلامی دانسته و حزب متبوعش را به اتخاذ سیاست‌های ضد صهیونیستی و یهودستیزانه متهم کرده است. وی می‌گوید ژان ماری لوپن، بنیان‌گذار این حزب، بارها در مراسم

1. France's National Front and Iranian Regime: United on Anti-Semitism

سالگرد انقلاب اسلامی در سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس شرکت کرده و حتی در سال 2014 در یک کنفرانس خبری علناً از اتحاد میان دو کشور سخن به میان آورده است. ژان ماری لوپن عربستان سعودی را متحد آمریکا و کشوری خطرناک نامیده است که توسط افراطی‌ها اداره می‌شود و برای مقابله با آن باید از ایران حمایت کرد. مارین لوپن همچنین آشکارا از بشار اسد حمایت می‌کند و حضور روسیه در این کشور را نیز قانونی می‌داند (Dai, 2017).

علل رشد راست افراطی در فرانسه

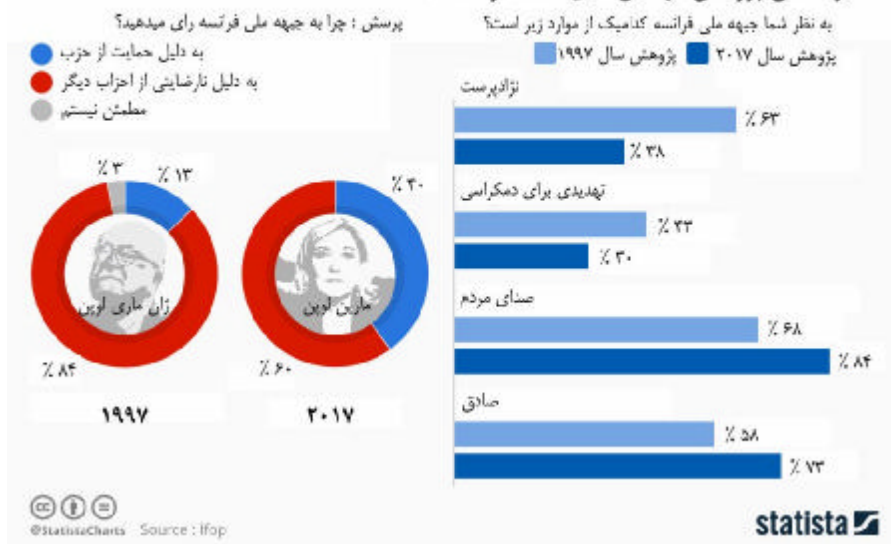
نخست باید توجه کرد که در نظام سیاسی فرانسه معمولاً تعدد احزاب وجود دارد و این امر چالش عمده‌ای برای احزاب سیاسی سنتی (چپ میانه؛ سوسیالیست‌ها) و راست میانه (جمهوری‌خواهان) تلقی می‌شود. برای مثال در سال 2002 طی انتخابات ریاست‌جمهوری وجود نامزدهای متعدد در جناح چپ یکی از دلایل مهم راهیابی ژان ماری لوپن به دور دوم انتخابات بود.

از هنگام به قدرت رسیدن مارین لوپن، حزبش در سه عرصه موفقیت کلی داشته است: افزایش اعضا و هواداران، رشد میزان آرا در انتخابات مختلف و بهبود چهره حزب نزد افکار عمومی. برای مثال در عرض کمتر از سه سال این حزب بیش از 60 هزار عضو رسمی جدید پیدا کرد (Stockemer, 2017: 2). در پژوهش دیگری مشخص شد درصد افرادی که جبهه ملی را خطرناک توصیف می‌کردند با کاهش مواجه شد؛ به طوری که این میزان از 70 درصد در سال 2002 به حدود 50 درصد در سال 2012 رسید (TNS-Sofres, 2012a; 2012b). اکنون اکثریت مردم فرانسه آن را حزبی معتبر ارزیابی می‌کنند.



میزان تغییر افکار عمومی نسبت به حزب جبهه ملی فرانسه

بر اساس پژوهش در سال های ۱۹۹۷ و ۲۰۱۷



یکی از علل رشد حزب جبهه ملی در فرانسه را می‌توان تغییر رویکرد نسبت به فاشیسم و فاصله گرفتن از نژادپرستی بیولوژیک دانست. در واقع باید میان احزابی مانند جبهه ملی فرانسه که به شکلی هوشمندانه از نژادپرستی فاصله گرفته‌اند با گروه‌ها و جنبش‌های نئونازی یا فاشیستی حاشیه‌ای که در اروپا حضور دارند تمایز قائل شد و قرار دادن آنها تحت یک عنوان نه تنها از میزان حمایت روزافزون از این احزاب نمی‌کاهد بلکه باعث از بین رفتن قبح واژه فاشیست خواهد شد.

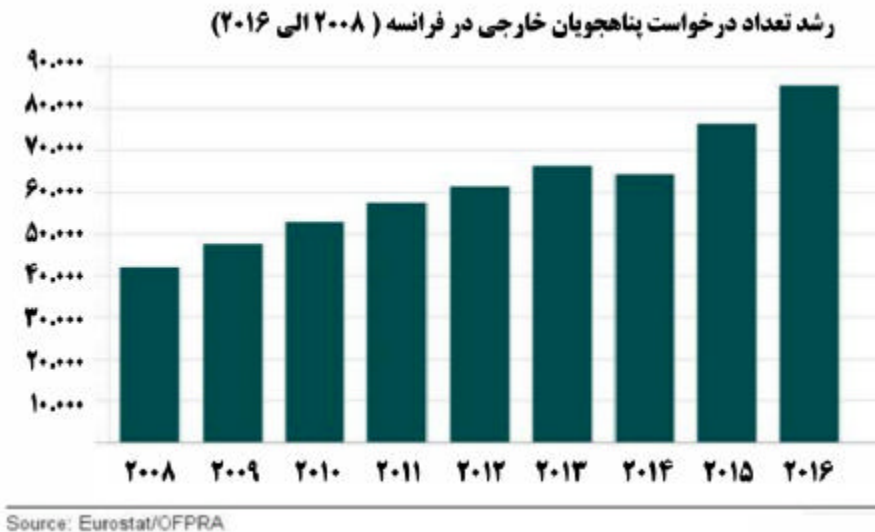
باید توجه کرد آنچه امروزه با عنوان ملی‌گرایی فرانسوی مطرح می‌شود با مفهوم کلاسیک آن در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ تفاوت‌هایی دارد و به جای مسائلی همچون توسعه ارضی و سیاسی بیشتر دربرگیرنده مفاهیم هویتی و فرهنگی است (Atabong 2018: 10).

در پژوهش‌های صورت گرفته عوامل مختلفی به عنوان دلایل رشد و موفقیت



راست افراطی در فرانسه بیان شده است. برای مثال می‌توان به **مهاجرت** اشاره کرد (Della Posta, 2013). بحران پناهجویان و ورود روزافزون مهاجران به فرانسه بستر مناسبی را نزد افکار عمومی ایجاد کرده است که حزب جبهه ملی با بهره‌گیری از آن و مقصر دانستن مهاجران خارجی در مشکلات موفق شده است از این بیگانه‌هراسی و مخالفت با حضور پناهجویان به نفع خود استفاده کند. گفتنی است نظام شنگن بسیاری از مرزهای داخلی اتحادیه اروپایی را برچید و امکان عبور و مرور آزادانه و بدون گذرنامه را در بیشتر کشورهای عضو مهیا کرد. همچنین حوادث تروریستی سال‌های اخیر که توسط گروه‌هایی مانند القاعده و داعش در خاک اروپا انجام گرفت در راه افتادن موج اسلام‌هراسی نقش بسیار مهمی داشت. در حمله تروریستی 13 نوامبر 2015 که بیش از 130 کشته و بالغ بر 350 مجروح بر جای گذاشت، لوپن بلافاصله اولاند و سیاست‌های مهاجرتی دولت وی را مسئول آن دانست.

نمودار زیر افزایش تعداد درخواست‌های پناهجویی را در فاصله سال‌های 2008 تا 2016 در فرانسه نشان می‌دهد.





رأی اعتراضی و بی‌اعتمادی به احزاب اصلی

یکی از مهم‌ترین دلایل رشد جریان راست افراطی و حزب جبهه ملی در فرانسه را می‌توان افزایش میزان بی‌اعتمادی و نارضایتی از احزاب سنتی و سیاستمداران جریان اصلی در فرانسه دانست. طبق پژوهشی در بازه زمانی دهه 2000 حدود 75 درصد مردم نسبت به احزاب سیاسی ابراز بی‌اعتمادی کردند و 60 درصد نیز از عملکرد دولت خود ناراضی بوده‌اند؛ در عین حال حدود 50 تا 60 درصد نیز نسبت به عملکرد پارلمان کشور خود رضایتی نداشتند. در این شرایط فرصت مناسبی برای پوپولیست‌های افراطی فراهم می‌شود و در زمان انتخابات مردم به حمایت از حزبی تمایل می‌یابند که احساس کنند بیشتر به خواسته‌ها و مطالبات آنها توجه می‌کند (Goodwin, 2011: 21). لوپن هواداران خود را «صدای مردم فراموش شده» می‌داند (Pedder, 2016).

یکی از دلایل عمده رشد حزب جبهه ملی افول احزاب سیاسی سنتی در فرانسه است. از بعد جامعه‌شناسی سیاسی، تحولات اخیر اروپا همگی حکایت از افول بی‌سابقه چپ میانه دارد. احزاب راست افراطی امروز بزرگ‌ترین مصداق گسترش ناسیونالیسم در اروپا هستند و جبهه ملی با رویکرد پوپولیستی و با تأکید بر دموکراسی مستقیم (مانند رفراندوم) با نخبگان جریان حاکم مخالفت می‌ورزد و آنها را فاسد و خائن می‌داند و خواهان اصلاح ساختار سیاسی است. در واقع تعدادی از رأی‌دهندگان نه به عنوان حامی راست افراطی، بلکه صرفاً برای نه گفتن به احزاب چپ و راست سنتی به این جریان رأی می‌دهند.

هرچند روند نارضایتی لزوماً به معنای موفقیت راست افراطی نیست، اما این جریان از آن بهره‌برداری مناسبی کرده است. برای مثال با اینکه اعتراضات موسوم به جلیقه زردها در فرانسه یک جنبش فرا حزبی محسوب می‌شود، اما نشان‌دهنده افزایش بی‌اعتمادی به احزاب جریان اصلی و افزایش نارضایتی است. این



اعتراضات که در ابتدا اعتراضی علیه گران شدن سوخت بود، پس از چندی به یک جنبش علیه سیاست‌های مکرون تبدیل شد. این ناآرامی‌ها نشان‌دهنده تقابل میان مرکز و پیرامون بود که اختلاف طبقاتی و تقابل میان کلان‌شهرها و روستاها هم‌زمان با افول جهانی شدن و نارضایتی کارگران همگی در این ناآرامی‌ها نقش داشت. اگرچه این جنبش با جریان‌های راست افراطی و پوپولیست ارتباطی نداشت یا خصوصیات مهاجرت‌پرهیزانه یا نژادپرستانه در آن دیده نمی‌شد، اما از یک منظر یعنی نارضایتی از احزاب و نخبگان اصلی جریان حاکم و بی‌اعتمادی به نظام سیاسی، ماهیت ضد ساختار از خود بروز داد که درون‌مایه مشترک آن با جنبش‌های پوپولیستی است. آخرین ناآرامی‌های فرانسه مربوط به سال 2005 بود که کشته شدن دو جوان در محله‌های فقیرنشین حومه پاریس باعث وقوع ناآرامی‌های دنباله‌دار در پاریس شد (نوربخش، 1397: 1).

نکته حایز اهمیت دیگر اجماعی است که هنگام راهیابی جبهه ملی به دور دوم انتخابات شکل می‌گیرد. در این مواقع همه احزاب سیاسی فرانسه اختلافات خود را کنار می‌گذارند و از رقیب لوپن حمایت می‌کنند تا از موفقیت راست افراطی جلوگیری کنند. این امر شاید بتواند خطر به قدرت رسیدن این حزب را به طور موقت رفع کند، اما در درازمدت این پیام را به رأی‌دهندگان می‌رساند که همگی احزاب چپ و راست فرانسه دست در یک کاسه دارند و مرزبندی میان آنها واقعی نیست و حاضرند در مقابل یک جناح سیاسی خارج از ساختار با هم متحد شوند که این امر در نهایت به نفع لوپن تمام خواهد شد و نشان خواهد داد اگر مردم به دنبال تغییر توسط یک جایگزین واقعی هستند، باید به این حزب رأی دهند و این همان چیزی است که جبهه ملی فرانسه با قرار گرفتن در جایگاه ضد ساختاری و ضد سیستمی به آن نیاز دارد.

احزاب راست افراطی دیگر در فرانسه

از احزاب راست افراطی دیگر فرانسه می‌توان به جنبش ملی جمهوری خواهان





(MNR)،¹ حزب فرانسه (PDF)² و Bloc identitaire اشاره کرد. جنبش ملی جمهوری خواهان در سال 1999 توسط برونو مگره تأسیس شد. وی پیش از آن نفر دوم جبهه ملی بود و در همین سال از آن حزب جدا شد. MNR در سال 2007 به رهبری آنیک مارتین³ تنها حایز 0,39 درصد آرا شد و عملاً حزبی ناتوان محسوب می شود (Langenbacher & Schellenberg, 2011: 88). احزاب و سازمان های دیگر راست افراطی در فرانسه تأثیر چندانی در صحنه سیاسی ندارند، با این حال هر از گاهی توجه رسانه ها را به خود جلب می کنند. برای نمونه Bloc identitaire شعارهایی در حمایت از ملی گرایی اروپایی و علیه اسلام می دهد و بیشتر روی مسائل و ارزش های فرهنگی و هویتی تأکید می کند. این حزب در سال 2010 یک گردهمایی را با هدف هشدار به شهروندان درباره اسلامی سازی پاریس برگزار کرد. با وجود اینکه جبهه ملی تا حدودی از یهودستیزی فاصله گرفته، حزب ضد صهیونیست⁴ که در انتخابات اروپایی 2009 در ناحیه پاریس 1,23 درصد آرا را به دست آورد، مجموعه ای از اسلام گرایان، چپ های افراطی ضد صهیونیسم و نئو فاشیست های یهودستیز را در کنار هم گرد آورده است (Langenbacher & Schellenberg, 2011: 98).

پایگاه اجتماعی و هواداران راست افراطی در فرانسه

طبق پژوهش های صورت گرفته، اغلب هواداران حزب تجمع ملی افرادی هستند که در اصطلاح بازندگان جهانی شدن نامیده می شوند. بخش عمده ای از این افراد را کارگران تشکیل می دهند. اگرچه به طور سنتی انتظار می رود کارگران به احزاب چپ از جمله سوسیالیست ها و کمونیست ها رأی دهند، اما در عمل آنها از راست افراطی حمایت می کنند. ایوالدی در پژوهش خود معتقد است حزب

1. The National Republican Movement (French: Mouvement National Républicain)

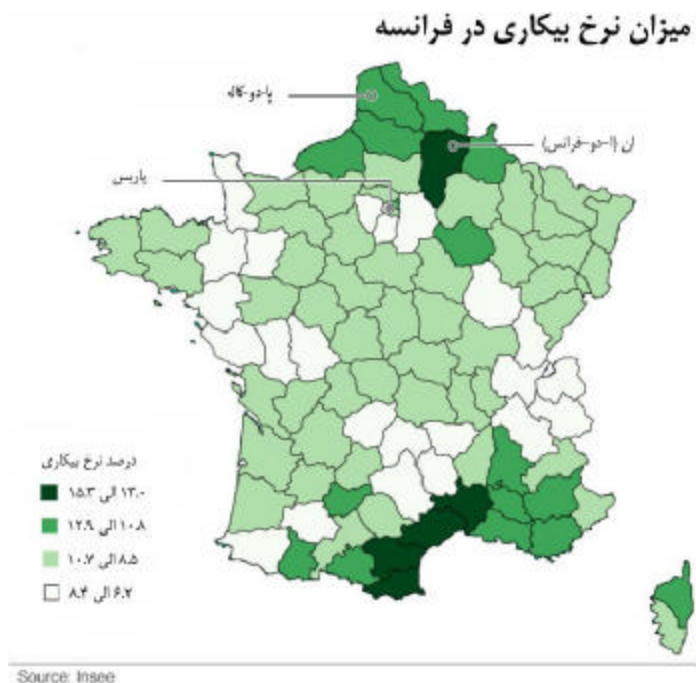
2. The Party of France (French: Parti de la France)

3. Annick Martin

4. Parti Antisioniste

تجمع ملی فرانسه امروزه بیش از هر زمانی بر پایه حمایت طبقه کارگر و روستاییان بنا شده است (Ivaldi 2015: 12).

از نظر جغرافیایی، عملکرد حزب در نواحی و مناطق روستایی و حومه‌ها به مراتب بهتر از شهرهای بزرگ و پر جمعیت بوده است. باید توجه داشت این قشرها لزوماً روستاییان سستی کشاورز نیستند، بلکه افرادی را شامل می‌شوند که به علت هزینه‌های سنگین زندگی در کلان‌شهرها به روستاها و حاشیه‌ها پناه آورده‌اند. تصویر زیر نشان‌دهنده میزان بیکاری در نواحی مختلف فرانسه است که در مقایسه با جغرافیای رأی‌دهی حزب جبهه ملی می‌توان ارتباط آن با حمایت از راست افراطی را دریافت.



طبق آمار، بخش عمده‌ای از حمایت احزاب راست افراطی از سوی طبقه کارگر به ویژه کارگران صنعتی به دست می‌آید (Betz, 1994; Kitschelt and McGann, 1995).



باید توجه کرد این قشر دارای بیشترین تجربه بیکاری، کمترین میزان تحصیلات و کمترین میزان دستمزد هستند و به باور پژوهشگران، بزرگ‌ترین بازندگان جهانی شدن تلقی می‌شوند. اطلاعات به دست‌آمده از رأی‌دهندگان به احزاب راست افراطی حاکی از آن است که این افراد خصوصیات یکپارچه‌ای ندارند و در بسیاری موارد دارای تنوع زیادی هستند.

به طور کلی می‌توان گفت طرفداران و رأی‌دهندگان به احزاب راست افراطی اغلب خیلی جوان و خیلی پیر، برآمده از طبقه کارگر یا طبقات زیر متوسط بدون مهارت شغلی و نسبت به آینده اقتصادی خود بدبین هستند. این افراد معمولاً در کلان‌شهرها و در مناطقی زندگی می‌کنند که میزان محرومیت نسبتاً بالا و سطح تحصیلات پایین است (Arzheimer, 2010; Goodwin & Ford, 2010). تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد حمایت از راست افراطی بین بخش‌های اجتماعی دارای وضعیت مالی مطمئن و طبقه متوسط بالا و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی ضعیف و کم است؛ به عبارت دیگر این افراد خطری را از جانب مهاجران و تنوع فرهنگی و اقتصاد جهانی‌شده پسا صنعتی احساس نمی‌کنند و جذب گروه‌های راست افراطی نمی‌شوند (احمدی، 1392: 56).

نونا مایر به مطالعه موردی رأی‌دهندگان به جبهه ملی فرانسه پرداخته است. وی در بررسی شش انتخابات از سال 1986 تا 1997 به این نتیجه رسید که بیشترین حمایت از سوی دو قشر مغازه‌داران خرده پا و کارگران یقه آبی وجود داشته است (Mayer, 1998: 18). در ابتدا رأی‌دهندگان به جبهه ملی فرانسه کمابیش طبقه بورژوا، نسل قدیم، کاتولیک‌ها، محافظه‌کاران و مخالفان سوسیالیسم بودند و برنامه حزب با خواست این رأی‌دهندگان برای رفع نظارت دولتی بر اقتصاد و بازگشت به اقتصاد بازار آزاد مطابقت داشت؛ اما در سال‌های بعد جبهه ملی به حزبی تبدیل شد که در همه طبقات طرفدار داشت. از همه جالب‌تر اینکه امروزه جبهه ملی به حزب محبوب مردان جوان طبقه کارگر تبدیل شده است که

اغلب بیکار با سطح تحصیلات پایین هستند و در حومه‌های صنعتی شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. حیرت‌آور اینکه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال 1995 حدود 30 درصد کارگران به جبهه ملی رأی دادند که یعنی بیش از تعدادی بودند که به سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها رأی دادند. این خصوصیات جبهه ملی را می‌توان در احزاب دیگر راست افراطی نیز مشاهده کرد (پاسمور، 1391: 137).

جنسیت

مطالعات نشان‌دهنده نسبت بالای رأی‌دهندگان مرد نسبت به زنان در حمایت از احزاب راست افراطی است (Harrison & Bruter, 2011). به طور کلی می‌توان گفت مردان اکثریت افراد هوادار راست افراطی را تشکیل می‌دهند و از این نظر درست در مقابل احزاب سبز قرار دارند. برای مثال در مورد جبهه ملی فرانسه تفاوت میان درصد جنسیتی رأی‌دهندگان مرد و زن همواره وجود داشته است. در انتخابات اروپایی 1984 میزان 12 درصد مردان و 9 درصد زنان به جبهه ملی رأی دادند. در انتخابات 1988 ریاست‌جمهوری 18 درصد مردان و 11 درصد زنان به ژان ماری لوپن رأی دادند. در انتخابات سال 2002 نیز با وجود کمتر شدن این اختلاف همچنان تفاوت میان درصد آرای زنان و مردان به چشم می‌خورد به طوری که در این سال 19 درصد از مردان و 15 درصد از زنان به جبهه ملی رأی دادند (Hainsworth, 2004; Mayer, 2002; Perrineau, 1997). در مورد دلایل این مسئله نظرات متفاوتی وجود دارد. یکی از آنها به این نکته اشاره می‌کند که اصولاً احزاب راست افراطی با عقاید فمینیستی مخالف و معتقدند زن ایده‌آل در واقع زن خانه‌داری است که مسئولیت به دنیا آوردن فرزندان بیشتر و تربیت آنها را بر عهده دارد تا بدین ترتیب مشکل کمبود میزان زاد و ولد را کم کند. به طور کلی می‌توان گفت نظرات و خواسته‌های بسیاری از رأی‌دهندگان زن امروزی با عقاید راست افراطی هم‌خوانی ندارد (Hainsworth, 2008: 93).



سن

مطالعات حاکی از آن است که احزاب راست افراطی طیفی وسیع از رأی دهندگان جوان را به خود جلب می کنند. جبهه ملی در انتخابات پارلمانی 1986 میزان 10 درصد از کل آرا را به خود اختصاص داد که معادل 14 درصد از آرای جوانان 18-24 ساله فرانسوی بود. این نسبت تقریباً در انتخابات های دیگر نیز به چشم می خورد. سیاست ضد مهاجرتی این حزب میان جوانانی که از بیکاری رنج می برند نقش مهمی در جذب آنها داشته است (Declair, 1999). همچنین بر اساس پژوهشی دیگر، لوپن در انتخابات سال 2002 بالاترین میزان رأی از میان افراد 18 تا 24 ساله را به خود اختصاص داد (Guiraudon & Schain, 2002). این میزان که حدود 20 درصد بود، تقریباً به میزان دو برابر تعداد هر کاندیدای دیگر بود. (ژوسپن 12 درصد را به خود اختصاص داد.) از سوی دیگر مطالعات حاکی از آن است که به طور کلی رأی دهندگان خیلی جوان در درجه اول و پس از آن رأی دهندگان خیلی پیر عمده آرای راست افراطی را تشکیل می دهند. برای نمونه ژان ماری لوپن در جذب آرای افراد 45 تا 64 ساله نیز موفق بود و در انتخابات سال 2002 با 19 درصد در این مورد پس از شیراک قرار گرفت (Harrison & Bruter, 2002: 159).

تحصیلات

یکی از مشخصات رأی دهندگان و حامیان جریان راست افراطی میزان تحصیلات پایین آنهاست. این مسئله به خصوص در مقایسه با رأی دهندگان به احزاب دیگر کاملاً مشهود است. در واقع می توان گفت افراد کم سواد و بیکار حامیان بالقوه ای برای احزاب راست افراطی هستند که با شعارهایی مانند ارجحیت ملی و کنترل مهاجرت جذب می شوند (Hainsworth, 2008: 94). در فرانسه نیز برای نمونه می توان به انتخابات ریاست جمهوری سال 2002 اشاره کرد که طی آن 7 درصد از رأی دهندگان به حزب جبهه ملی افرادی با تحصیلات دانشگاهی بودند و 24

درصد از رأی‌دهندگان را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دادند (Ivaldi, 2004: 57). بیشتر مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که افزایش تحصیلات با رأی به راست افراطی رابطه معکوس دارد. در مطالعه دیگری پژوهشگران دریافتند که افراد با تحصیلات بالاتر کمتر گرایش‌های بیگانه‌هراسانه از خود بروز می‌دهند. این پژوهش همچنین حاکی از آن است که افزایش تحصیلات باعث تعلق خاطر بیشتر به ارزش‌های لیبرال می‌شود (DiGusto & Jolly, 2008). مایر نیز در مطالعه خود در مورد جبهه ملی فرانسه به این نتیجه رسید که رأی‌دهندگان به این حزب در مقایسه با احزاب دیگر فرانسه، تحصیلات کمتری دارند (Mayer, 2005).

طبقه اجتماعی

مشخصه دیگر حامیان و رأی‌دهندگان راست افراطی طبقه اجتماعی آنان است که به طور کلی بسیاری از آنها متعلق به طبقه کارگر هستند؛ به طوری که برخی از ناظران این احزاب را «احزاب کارگری» زمان معاصر خطاب می‌کنند. در کشورهای مانند فرانسه، بلژیک و اتریش احزاب راست افراطی در جذب کارگران به مراتب موفق‌تر از احزاب جریان اصلی بوده‌اند. در فرانسه نیز در انتخابات تاریخی ریاست‌جمهوری 2002 این کشور ژان ماری لوپن میزان 26 درصد آرای کارگران را به تنهایی از آن خود کرد. این میزان با توجه به تعداد زیاد کاندیداها رقمی چشم‌گیری و معادل دوبرابر آرای کسب‌شده طبقه کارگر توسط رقبای اصلی یعنی شیراک و ژوسپن بود (Bell & Criddle, 2002). راست افراطی به طور کلی در جذب کارگران یقه آبی موفق عمل کرده است، با این حال این حمایت در میان طبقه متوسط و کارمندان کمتر می‌شود (Hainsworth, 2008: 98).

با توجه به خصوصیات طبقه کارگر غیر منتظره نیست که متوجه شویم بیشتر آرای احزاب راست افراطی از کلان‌شهرها و مناطق شهری به دست می‌آید. برای مثال جبهه ملی فرانسه در شهرهایی مانند پاریس، مارسای، تولون و استراسبورگ آرای زیادی به دست آورد. در مورد درآمد نمی‌توان به یک رابطه معنادار مانند



آنچه در مورد تحصیلات وجود دارد دست یافت و نتایج در کشورهای مختلف متفاوت است. این مسئله در مورد مشاغل نیز صادق است و هر کشور نتیجه متفاوتی را نشان می‌دهد (Harrison & Bruter, 2011). پرسش اینجاست چرا کارگران یقه آبی و با درآمد پایین که قاعداً باید حامی احزاب چپ باشند از راست افراطی حمایت می‌کنند؟ در حالی که احزاب راست افراطی به طور کلی طرفدار کاهش مالیات و کم کردن هزینه‌های رفاه اجتماعی‌اند و این خواسته آنها مشخصاً در تضاد با مطالبات کارگران یقه آبی است. پاسخ اینجاست که برای این اشخاص اقتصاد در اولویت دوم قرار دارد و علل رای دادن آنها به راست افراطی را می‌توان در این مسئله جست‌وجو کرد که ایدئولوژی راست افراطی بر پایه مسائل هویتی و ارزش‌ها بنا شده است نه اقتصاد (Rovn, 2009).

جبهه ملی فرانسه در جذب افراد خرده بورژوا و کارگران صنعتی موفق بوده است. در واقع ژان ماری لوپن توانست نظر مساعد بسیاری از کارگرانی را که پیش از این تصور می‌شد طرفدار احزاب چپ باشند، به خود جلب کند و به محبوب‌ترین حزب میان طبقه کارگر تبدیل شود (Goodwin, 2011: 6). این مسئله حاکی از آن است که احزاب راست افراطی از تحولات در فضای اقتصادی و سیاسی بیشترین بهره را برده‌اند و در این میان موفق‌ترین آنها احزابی بوده‌اند که توانسته‌اند طرفدارانی از چندین طبقه اجتماعی را به خود جلب کنند. به طور کلی طبقات حامی راست افراطی شامل طبقه متوسط رو به پایین و طبقه کارگران صنعتی و یقه آبی است که از گسترش تنوع فرهنگی ناشی از مهاجرت احساس خطر می‌کنند (Evans, 2005).

در بررسی علت رای دادن کارگران به احزاب راست افراطی با سه نکته روبه‌رو هستیم:

نخست اینکه کارگران به دلیل احساس تهدید اقتصادی و کاهش دستمزدها و اشغال مشاغل توسط مهاجران به این احزاب جذب می‌شوند.

دوم اینکه کارگران احساس می‌کنند حضور مهاجران باعث به خطر افتادن هویت ملی و تهدید فرهنگ و ارزش‌های جامعه و اخلاقیات است. سوم آنکه کارگران تنها راه ابراز مخالفت و نارضایتی خود نسبت به احزاب جریان اصلی را رأی دادن به احزاب راست افراطی می‌دانند. با این حال مسئله فرهنگی و هویتی از میان عوامل بالا مهم‌ترین دلیل گرایش کارگران به احزاب راست افراطی است (Oesch, 2008).

در واقع در برخی کشورها احزاب راست افراطی عملاً جای احزاب کمونیست را در جلب طبقه کارگر گرفته‌اند (Wilson & Hainsworth, 2012: 13). برخی پژوهشگران معتقدند بیشتر آرای راست افراطی از دو طیف کاملاً متفاوت است (کارگران و خرده بورژواها) که پیش‌بینی ائتلاف از آنها تصور نمی‌شود (Harrison & Bruter, 2011: 156).

مارتین لپسیت بر این نظر است که شکاف‌های جدید در غرب موجب شده است کارگران غیرماهر و نیمه‌ماهر بومی مانند گذشته به احزاب چپ و سوسیالیست رأی ندهند و تمایل آنها به این احزاب کمتر شود و در عوض به احزاب راست افراطی بیشتر متمایل شده‌اند؛ بنابراین احزاب سوسیال دموکرات در غرب مانند گذشته، موقعیت هژمونیک ندارند. می‌توان گفت در سالیان اخیر بسیاری از افرادی که به طور سنتی به احزاب چپ رأی می‌دادند به شکل غیرمنتظره‌ای به راست افراطی متمایل شده‌اند (Langenbacher & Schellenberg, 2011: 13).

تبز واسوانک بر این نظر است که افزایش اقدامات رفاهی دولتها، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، بهبود شرایط زندگی کارگران بومی، ایجاد اشتغال، کاهش تورم و اجرای سیاست‌های اقتصادی ملی‌گرایانه می‌تواند رضایت نسبی کارگران بومی را افزایش دهد و از گسترش این احزاب جلوگیری کند (سردارنیا، 1386: 195). نکته دیگر اینکه در خلال دهه 1990 احزاب سوسیالیست و کمونیست در اروپای شرقی و غربی سیاست رادیکال پیشین خود را تا حد زیادی کنار گذاشتند. امروز



تفاوت‌های میان چپ و راست اندک شده است و همه احزاب عموماً به نمایندگی از کسانی حرف می‌زنند که از تحولات اقتصادی سود برده‌اند و بازنده‌ها بی‌نماینده مانده‌اند. چپ‌ها اغلب به پوپولیسم مبتنی بر بیگانه‌ستیزی روی آورده‌اند. چپ‌ها برای اینکه از قافله عقب نمانند به رأی‌دهندگان اطمینان می‌دهند که آنها هم در قبال مهاجران آسان‌گیر نیستند. سیاست‌های مهاجرستیزانه ارج و قرب یافته و ایدئولوژی راست افراطی موضوعیت پیدا کرده است (پاسمور، 1391: 139). به نظر نوریس، ائتلاف بین طبقات مختلف حاکی از آن است که ما باید با احتیاط بیشتری به این نظریه که ظهور راست افراطی را صرفاً پدیده‌ای میان کارگران شهری می‌داند، نگاه کنیم. در واقع پایگاه اجتماعی-اقتصادی راست افراطی پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌شود (Norris, 2005). حامیان احزاب راست افراطی قاعدتاً از روند جهانی شدن و ورود نیروی کار ارزان احساس خطر می‌کنند و در نتیجه به راحتی تحت تأثیر شعارهای ضد جهانی و ملی‌گرایانه راست افراطی قرار می‌گیرند (Rovn, 2009).

نتیجه‌گیری

رشد حزب جبهه ملی در فرانسه به عنوان یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه اروپا و از کشورهای مهم عضو ناتو و همچنین دارای کرسی دائمی شورای امنیت سازمان ملل نسبت به سایر کشورهای اروپایی اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین با نگاه به سابقه روابط میان دولت فرانسه و جمهوری اسلامی ایران و موارد تأثیرگذار در آن مانند حضور گروهک منافقین در خاک فرانسه و سیاست‌های پاریس در قبال مسائل منطقه خاورمیانه می‌توان ادعا کرد رشد حزب جبهه ملی در بخش‌هایی از جمله سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به دلیل ماهیت نگاه به شرق و عدم وابستگی به ایالات متحده می‌تواند هم‌راستا با سیاست‌های کشورمان باشد. با وجود این از منظر برخی مسائل داخلی همچون نوع برخورد این حزب با مسلمانان ساکن فرانسه و ترویج نگاه اسلام‌هراسی، این حزب اختلافات

ایدئولوژیکی با کشورمان دارد.

در مورد علل رشد راست افراطی در فرانسه نمی‌توان دلیل واحدی برای بروز این پدیده ارائه داد؛ با این حال عوامل فرهنگی و هویتی و مسئله مهاجرت نسبت به علل دیگر نقش پررنگ‌تری داشته‌اند. ضدیت با مهاجرت یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های جبهه ملی فرانسه است. این ویژگی ناشی از عدم پذیرش اصل برابری انسان‌هاست و به دنبال خود رویکردهای بیگانه‌ستیزانه نظیر اسلام‌هراسی، یهودستیزی، کولی‌هراسی و در کل ضدیت با اقلیت‌ها را به دنبال دارد. از سوی دیگر راست افراطی دارای ماهیت ضد ساختاری است به این ترتیب که ضمن مخالفت با ساختار سیاسی و احزاب جریان اصلی، خواستار تحول جدی در نظام حاکم در کشور خود بوده و دموکراسی مستقیم و ابزارهایی نظیر رفراندوم را جایگزین دموکراسی نمایندگی می‌داند. ویژگی ضد ساختاری به دنبال خود ماهیت پوپولیستی را به ارمغان آورده، به طوری که این حزب با مخالفت با نخبگان حاکم خود را برآمده از بطن مردم و صدای اکثریت خاموش جامعه می‌داند. لوپن در نهایت با تأکید بر فرهنگ و ارزش‌های ملی و بومی‌گرایی، با چندفرهنگ‌گرایی به شدت مخالف است و همچنین اتحادیه اروپا و همگرایی را مایه از دست رفتن هویت و پاک شدن مرزهای ملی خود می‌داند و علیه آن موضع‌گیری می‌کند.

نارضایتی از عملکرد دولت و نهادهای رسمی و بی‌اعتمادی به سیاستمداران و احزاب اصلی یکی از دلایل رشد راست افراطی بوده است. جبهه ملی با ماهیت ضد ساختاری، خود را اپوزیسیون واقعی نظام حاکم می‌داند؛ بنابراین بسیاری از افراد بدون داشتن وابستگی ایدئولوژیکی و صرفاً برای نشان دادن اعتراض به نظام حاکم به این حزب رأی می‌دهند که این امر در چارچوب بحث رأی اعتراضی مورد بررسی قرار گرفت.

از سوی دیگر عوامل اقتصادی و اجتماعی و مسائلی مانند جهانی شدن،



بیکاری و افزایش جرم و جنایت همگی روی این مسئله تأثیرگذار بوده‌اند؛ با این حال همان‌گونه که ثابت شد، عوامل اقتصادی در مقایسه با مسائل فرهنگی و هویتی نقش کم‌رنگ‌تری داشته‌اند به طوری که با بررسی آماری رویکرد شهروندان به مسائلی مانند اسلام‌هراسی و موضوع مهاجرت و تبعات آن مشخص شد اصلی‌ترین عامل گرایش شهروندان به حمایت از احزاب راست افراطی را موضوعات وابسته به مسئله هویت و فرهنگ تشکیل می‌دهند و بیشترین حمایت از سوی شهروندانی ابراز می‌شود که مهاجران را تهدید فرهنگی تلقی می‌کنند و آنها را باعث از دست رفتن ارزش‌ها و هویت خود می‌دانند.

سرانجام با بررسی هواداران و پایگاه اجتماعی راست افراطی مشخص شد اکثریت آنها را مردان تشکیل می‌دهند. همچنین جبهه ملی تعداد زیادی از جوانان را به خود جلب کرده است و از این نظر در مقایسه با احزاب دیگر پیش‌تاز است. از سوی دیگر هواداران معمولاً سطح تحصیلات پایینی دارند. از نظر طبقه اجتماعی نیز این احزاب توانسته‌اند طیف‌های مختلفی را به خود جلب کنند که در میان آنها حضور طبقه کارگر در حمایت از راست افراطی پررنگ‌تر است.

با توجه به دورنمای موجود می‌توان گفت این جریان دیگر حاشیه‌ای نبوده و توانسته است در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نقش تأثیرگذاری داشته باشد؛ به طوری که احزاب راست میانه هم‌اکنون سعی می‌کنند برای کسب نظر هواداران راست افراطی شعارهایی در مخالفت با چندفرهنگ‌گرایی و مهاجرت سر دهند و احزاب چپ نیز برای کسب آرای این افراد اعلام می‌کنند که در قبال مهاجران غیرقانونی سخت‌گیری خواهند کرد.





منابع و مأخذ

- پاسمور، کوئین (1390)، *فاشیسم*، ترجمه علی معظمی، تهران: نشر ماهی.
- سردارنیا، خلیل الله (1386)، «تبیین جامعه‌شناختی احزاب پوپولیستی راست رادیکال جدید در دموکراسی‌های تثبیت‌یافته اروپا از دهه 1970 به بعد»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش 8.
- نوربخش، سید نادر (1393 الف)، «خیزش راست افراطی در انتخابات شهرداری‌های فرانسه»، روزنامه اطلاعات، دوشنبه 1 اردیبهشت.
- نوربخش، سید نادر (1393 ب)، «موفقیت احزاب راست افراطی در انتخابات پارلمان اروپا»، روزنامه اطلاعات، سه شنبه 27 خرداد.
- نوربخش، سید نادر (1397)، «چپ و راست علیه الیزه»، روزنامه وطن امروز، ش 2603، سه‌شنبه 20 آذر.

منابع لاتین

- Atabong, Nkenganyi N^oMandela (۲۰۱۸), Immigration and the Revival of Nationalist^o Sentiments in France: A Nationalistic Rhetoric of Marine Le Pen, Master^os Thesis: University of Jyväskylä, <https://jyx.jyu.fi/bitstream/handle/۱۲۳۴۵۶۷۸۹/۵۸۶۹۶/URN/۳ANBN/۳Afi/۳Aju-۲۰۱۸۰۶۲۱۳۳۱۶.pdf?sequence=۱>
- Bell, D.S. and Criddle, B. (۲۰۰۲), "Presidentialism Restored: The French Elections of April-May and June ۲۰۰۲", *Parliamentary Affairs*, ۵۵: ۶۴۳-۶۶۳.
- Betz, H.G. (۱۹۹۴), *Radical Right-Wing Populism in Western Europe*, New York: St. Martins Press.
- Clarke, Seán and Josh Holder (۲۰۱۷), French Presidential Election, May ۲۰۱۷ – Full Second Round Results and Analysis, the Guardian <https://www..com/world/ng-interactive/۲۰۱۷/may/۰۷/french-presidential-election-results-latest>
- Dai, Hassn (۲۰۱۷), France's National Front and Iranian Regime: United on Anti-Semitism, the Hill, <https://thehill.com/blogs/pundits-blog/healthcare/۳۲۱۹۵۸-frances-national-front-and-iranian-regime-united-on-anti>
- Declair, E.G. (۱۹۹۹), *Politics on the Fringe: The People, Politics and Organization of the French National Front*, Durham, NC: Duke University Press.
- Della Posta, Daniel J. (۲۰۱۳), Immigration and the Front National: Competitive Threat, Intergroup Contact, or Both? Immigration and the Dynamics of Front National Voting in France, *Social Forces*, ۹۲ (۱): ۲۴۹-۲۷۳.
- Evans J. (۲۰۰۵), "The Dynamics of Social Change in Radical Right-Wing Populist Party Support", *Comparative European Politics*, ۳.
- Fysh, P. and Wolfreys, J. (۱۹۹۲), "Le Pen, the National Front and the Extreme Right in France", *Parliamentary Affairs*, ۴۵ (۳): ۳۰۹-۳۲۶.



- Gerrit, Voerman and Ida J. Terluin (۲۰۱۵), Rural Protest Groups and Populist Political Parties, Wageningen Academic Publishers, ۹۷۸۹۰۸۶۸۶۲۵۹۷. ff۱۰, ۳۹۲۰/۹۷۸-۹۰-۸۶۸۶-۸۰۷-۰_۱ff. fffhalshs-۰۱۲۴۵۰۸۱
- Gilles, Ivaldi, and Joël Gombin (۲۰۱۵), The Front National and the New Politics of the Rural in France, Dirk Strijker.
- Goldhammer, Arthur (۲۰۱۵), Explaining the Rise of the Front National: Political Rhetoric or Cultural Insecurity? French Politics, Culture & Society, ۳۳(۲): ۱۳۴-۱۴۲.
- Goodliffe, G. (۲۰۱۵), Europe's Salience and 'Owning' Euroscepticism: Explaining the Front National's Victory in the ۲۰۱۴ European Elections in France, French Politics, ۱۳ (۴): ۳۲۴- ۳۴۵.
- Goodwin, M and Ford ,R. (۲۰۱۰), "Angry White Men: Individual and Contextual Predictors of Support for the British National Party", Political Studies, ۵۸(۱).
- Goodwin, M. (۲۰۱۱), The Right Response: Understanding and Countering Populist Extremism in Europe, London: Chatham House. (Report)
- Gregor, Aisch, et all (۲۰۱۷), "How France Voted", The New York Times, [https:// www.nytimes.com/interactive/۲۰۱۷/۰۵/۰۷/world/europe/france-election-results-maps.html](https://www.nytimes.com/interactive/۲۰۱۷/۰۵/۰۷/world/europe/france-election-results-maps.html)
- Guiraudon, V. and Schain, M. (۲۰۰۶), "The French Political "Earthquake" and extreme Right in Europe", European Studies Newsletter, ۵: ۱-۵.
- Hainsworth, P. (۲۰۰۴), "The Extreme Right in France: The Rise and Rise of Jean-Marie Le Pen's Front National", Representation, ۴۰, ۲: ۱۰۱-۱۱۴.
- Hainsworth, P. (۲۰۰۸), The Extreme Right in Western Europe, New York/London: Routledge.
- Harrison, S. and Bruter, M. (۲۰۱۱), Mapping Extreme Right Ideology: An Empirical Geography of the European Extreme Right, Palgrave Macmillan.
- Hewlett, M. (۲۰۱۲), Voting in the Shadow of the Crisis, The French Presidential and Parliamentary Elections of ۲۰۱۲, Modern and Contemporary France, ۲۰ (۴): ۴۰۳-۴۲۰.
- Kitschelt, H. (۱۹۹۵), The Radical Right in Western Europe: A Comparative Analysis, Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Langenbacher, N. and Schellenberg, B. (eds.). (۲۰۱۱), Is Europe on the 'Right' Path? Right-Wing Extremism and Right-Wing Populism in Europe, Berlin: Friedrich Ebert Stiftung.
- Mamedov, Eldar (۲۰۱۷), The Far Right's Obsession with Iran, lobelog, [https:// lobelog.com/the-far-rights-obsession-with-iran/](https://lobelog.com/the-far-rights-obsession-with-iran/)
- Mayer, N. (۱۹۹۸), "The French National Front" in Betz, H.G & Immerfall, S. (eds), The New Politics of the Right: Neo-Populist Parties and Movements in Established Democracies, Basingstoke, Palgrave Macmillan.
- Mayer, N. (۲۰۰۲), Ces Français Qui Votent Le Pen, Paris: Flammarion.
- Mayer, N. (۲۰۱۵), The Closing of the Radical Right Gender Gap in France?, French Politics ۱۳ (۴): ۳۹۱-۴۱۴.
- Mudde , C. (۲۰۰۷), Populist Radical Right Parties in Europe, Cambridge: Cambridge





- University Press.
- Mudde, C. (۲۰۰۰), *The Ideology of the Extreme Right*, Manchester: Manchester University Press.
 - Norris, P. (۲۰۰۵), *Radical Right: Voters and Parties in the Electoral Market*, New York: Cambridge University Press.
 - Nowak, Marysia & Becky Branford (۲۰۱۷), *France Elections: What Makes Marine Le Pen far Right?*, BBC, <https://www.bbc.com/news/world-europe-۳۸۳۲۱۴۰۱>
 - Oesch, D. (۲۰۰۸), "Explaining Workers' Support for Right-wing Populist Parties in Western Europe: Evidence from Austria, Belgium, France, Norway and Switzerland", *International Political Science Review*, ۲۹ (۳): ۳۴۹-۳۷۳.
 - Pedder, Sophie (۲۰۱۶), *Marine Le Pen, L'étrangere*, [https:// www.۱۸۴۳magazine. com/features/ marine-le-pen-letrangere](https://www.۱۸۴۳magazine.com/features/marine-le-pen-letrangere)
 - Perrineau, P. (۱۹۹۷), *Le Symptôme Le Pen: Radiographie des électeurs du Front National*, Paris: Fayard,
 - Poirier, Agnès Catherine (۲۰۱۱) *the Nation Can Marine Le Pen Win in France?*, [https:// www.thenation.com/article/can-marine-le-pen-win-france/](https://www.thenation.com/article/can-marine-le-pen-win-france/)
 - Ray, Michael (۲۰۱۸), *Marine Le Pen*, *Encyclopædia Britannica* URL: [https:// www.britannica.com/biography/Marine-Le-Pen](https://www.britannica.com/biography/Marine-Le-Pen) Access Date: May ۱۶, ۲۰۱۹.
-
- Rovn, Jan (۲۰۰۹), "The Extreme Right in Contemporary Europe", *The New Presence*, Vol. ۱۲, No. ۲.
 - Shields, James (۲۰۰۷), *The Extreme Right in France: From Pétain to Le Pen*, Routledge.
 - Smith, J. M. (۲۰۰۳), *Extreme Politics : An Analysis of the State Level Conditions Favoring far Right Parties in the European Union*, Thesis (Master's Degree).
 - Sputniknews (۲۰۱۱) *France to ditch NATO, embrace Russia if National Front comes to power* <https://sputniknews.com/world/۲۰۱۱۰۴۱۳۱۶۳۵۱۴۵۷۴/>
 - Stockemer, Daniel (۲۰۱۷), *The New Ideology of the Front National (FN) under Marine Le Pen: A Slight Change with a Big Impact*, School of Political Studies, University of Ottawa.
 - NS-Sofres (۲۰۱۲a), Accessed at <http://www.tns-sofres.com/assets/files/۲۰۱۲,۰۱,۱۳-lepen.pdf>
 - TNS-Sofres (۲۰۱۲b), Accessed at <http://www.tns-sofres.com/assets/files/۲۰۱۲,۰۶,۰۱-fn.pdf>
 - Wilson, R. & Hainsworth, P. (۲۰۱۲), *Far Right Parties and Discourse in Europe: A Challenge for Our Times*, Brussels: European Network Against Racism.(Report)